



حسین مرادیبی
(حمه سور)

با اسلام و جمهوری اسلامی ←

چهارشنبه سوری و نوروز، مجلات مال ماست!

چهارشنبه سوری به پیشواز آن میروند، برقصند، بخندند و شادی کنند. چون در اسلام شادی کردن، خندیدن زن با صدای بلند، رقصیدن زن و مرد با هم حرام است، نفس شادی کردن، رقصیدن و خندیدن و احساس لذت بردن از زندگی به یک حرکت سیاسی و یک تقابل سیاسی

نوروزتان پیروز، سال نو را تبریک میگویم.

در مورد چهارشنبه سوری و نوروز از زاویای مختلفی نوشته ایم. در همه آنها این واقعیت برجسته است که مردم ایران میخواهند نوروز، روز شادی، روز آغاز زندگی نو را که با



پیام کورش مدرس لیدر حزب کمونیست کارگری حکمتیست

انسانیت، شادی و آرزوهای انسانی، مستقل از قومیت، رنگ، نژاد، مذهب و عقیده است. نوروز روز دفن جمهوری اسلامی سمبل غم و تباهی است.

این روزها باید کنترل را از دست قوانین خدا و نمایندگان او، جمهوری اسلامی، در زمین در آورد. جشن های هرچه وسیعتر و شادتر هرچه باز تر و علنی تر و ظاهر شدن هرچه آزاد تر برای چند روز هم که شده ما، یعنی انسانیت، را بر جمهوری اسلامی تحمیل خواهد کرد.

نوروزتان پیروز!

مردم آزادیخواه ایران!

از طرف حزب کمونیست کارگری
— حکمتیست نوروزتان را تبریک میگویم.



مریم افراسیابپور

زندگی مردم با رژیم و قوانین اسلامی است*
مردم با برگزاری جشن نوروز با رقص و دانس و بز و بکوب با پوشیدن لباسهای مدنی و امروزی، با قاطی شدن دختر و پسر، با دور انداختن روسری بقیه صفحه ۲

جمهوری اسلامی و شادی!؟

است، دلیل تناقضات جدی و بنیادی وجود رژیم اسلامی با شرایط زیست و فعل و انفعالات جامعه امروزی است* تناقضاتی که اکنون مردم تلاش میکنند با جارو کردن بساط حاکمان اسلامی آنها به نفع خود حل کنند*

همانطور پوشیدن پیراهن آستین کوتاه و ماتنوی تنگ سرعت در ایران سیاسی میشود، شادی و رقص و لباس شاد و رنگین هم سیاسی است* به این اعتبار بر گزاری جشنهای نوروز نه به اساطیر ملی ربطی پیدا میکند و نه به هیچ مقوله دیگر، ربط واقعی همان تناقض

نوروز در راه است* روزی که نه از دریچه اساطیر ملی و خرافه مذاهب و ملی، بلکه از زاویه واقعی، روز شادی کردن مردم است* روز تعطیلی از خستگی کار شاق و روز استراحت از خود بیگانگی است*

در این روز میلیونها انسان فرصت میابند دور هم جمع شوند، بخوانند و برقصند* از رسیدن گرمی و سبزه و گل و شکوفایی طبیعت استفاده کنند* اگر شادی و پوشیدن لباس و رقص و دور هم بودن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی جرم

زنده باد شادی مردم!

زنده باد آزادی و

برابری!

زنده باد سوسیالیسم!

کورش مدرس

اسفند ۱۳۸۳

دنیا هیچگاه اینقدر قابل شاد زیستن نبوده است و دنیا هیچگاه اینقدر برای اکثریت مردم جای محنت زانی نبوده است. انگار همه نیرو های تباهی و محنت دست اندرکارند تا دنیا را برای همه انسانهای شریف جهنم کنند.

نوروز روز شادی، روز آرزوهای خوب، روز لباس نو و امید نو، روز امید به دنیای بهتر است. نوروز روز دفن غم و سیاهی است. نوروز جشن

در صفحات دیگر

سال نو مبارک
جنگ کرسیها
مظفر محمدی
عبدالله شریفی
در یاد قربانیان فاجعه حلبه حلیجه حسین مرادیبی (حمه سور)
سالروز مرگ مارکس ایرج فرزاد

اکتبر

نوروز را به شما تبریک

میگوید!

زنده باد زندگی بهتر!
زنده باد آزادی، برابری!



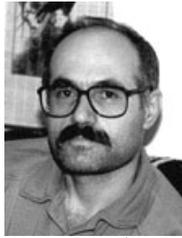
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سال نو مبارک!

مردم را گرو گرفته است، میچاپند و میدزدند و به جیب میزنند. قانون ستم و سرکوب و عزا و مرگ را قانون زندگی مردم کرده اند...

اما این نظام به غایت سیاه و کثیف، هیچگاه نتوانسته امید به تغییر این شرایط و زندگی بهتر و شادی و خنده را از مردم بگیرد. اگر تا دیروز مردم این شادی و میل به لذت بردن از زندگی را از چشم دشمن زندگی، مخفی میکردند

اما اکنون دیگر این تمایل و این ابراز نیاز به شادی و خنده و رفاه و آزادی در صفحه ۳



مظفر محمدی

این روزها از دوستی پرسیدم نوروز در پیش است، چکار میکنی؟ گفت نوروز اینجا معنی ندارد. شادی معنی ندارد و هر چه هست فقر است و ستم و دغدغه زندگی...

این حقیقت تلخی است، اما این يك روی واقعیت است. نظامی حاکم بر جامعه است که نان سفره

جنگ کرسیها!

پیرامون جلسه "مجمع ملی پارلمان عراق"!

پارلمانی "از سر گرفته میشود" در این مدت جریانات بیرون آمده از صندوق، علیرغم فشار بوش و سیاستمداران پنتاگون نتوانسته اند تناقضات درونی خود را به جایی برسانند؛ مذاکرات علاوه با جریانات ناسیونالیست کرد، گتگوهای طرفداران سیستمی با اینها، یکی پس از دیگری بی نتیجه مانده است. بقیه صفحه ۴



عبدالله شریفی

پارلمان بر گزارمی شود" در حالیکه آمار انفجارت و کشتار هم چنان سیر صعودی مییابید، در شرایطی که ویران کردن خانه و کاشانه مردم، جنگ و انتحار و انفجار را به زندگی روتین و سرنوشت "مقدر" مردم عراق تبدیل کرده اند، تازه دارد دور دیگری از رقابت بر سر کرسی و پارلمان و قدرت در میان احزاب مسلح

روز چهارشنبه ۱۶ مارس قرار است پرده ای دیگر از نمایش بازیگران تخریب جامعه عراق به اکران در آید.

بعد از مضحکه انتخابات، اولین جلسه سران دستجات مسلح اسلامی و قومی و عشره ای با اسم جلسه

چهارشنبه سوری و...*

و یک نه سراسری مردم ایران در این روزها به جمهوری اسلامی تبدیل شده است. به این دلیل هر سال این روزها به یکی از پر کشمکشترین روزهای سال بین جوانان و مردمی که میخواهند شادی کنند، برقصند و سال نو خوبی را برای همدیگر آرزو کنند، با جمهوری اسلامی ضد شادی و در یک کلام دشمن لذت بردن مردم از زندگی، تبدیل شده است. هویتهای کاذب قومی و ملی و غیره که برای آنها تراشیده اند، در محلات و خیابانهای هر شهر و دیاری جمع میشوند، همدیگر را در آغوش میگیرند، این روز را بهمدیگر تبریک میگویند در عین حال عملاً بر حجاب خفقان اسلامی و جداسازی جنسی جمهوری اسلامی نیز مهر باطل میزنند. همراه با ابراز شادی خود یک بار دیگر به سران حکومت اسلامی می فهمانند که درجه و میزان نفرت آنان از جمهوری اسلامی و از اسلام که شادی خوشی را در زدگی آنان خشکانده است، غیر قابل اندازه گیری است.

امسال نیز مثل سالهای قبل با هم به به پیشواز چهارشنبه سوری و نوروز میرویم. حکومت اسلامی که چشم

دیدن شادی و اتحاد مردم بویژه جوانان را ندارد، امسال به نسبت سالهای قبل اقدامات ضد انسانی بیشتری را برای مقابله با شادی و خوشی مردم تدارک دیده است. راه درهم شکستن و خنثی کردن هر نوع تهدید و ترفند رژیم اسلامی همانطور که تجربه خود مردم نیز نشان داده است، این است که مردم بویژه جوانان در این روزها در ابعاد وسیعی از خانه های خود بیرون بیایند و با شادی و شور و خنده و رقص و پایکوبی خود نکبت اسلام و آخوند را حتی اگر یک روز هم شده از زندگی از محلات خود فراری دهند. باید خواند، بیید رقصید، باید شادی کرد، باید نشان داد زندگی زیباست.

در چهارشنبه سوری و نوروز، محلات باید مال ما باشد. از این روزها در عین حال باید برای تجربه کنترل محلات نیز استفاده کرد، محلاتی که در آینده مراکز بسیج و سازماندهی ما در جریان بزرگشیدن جمهوری اسلامی و در نبرد برای تأمین آزادی و برابری خواهند بود. با بسیج و به میدان آوردن وسیعترین نیرو باید کاری کرد که مزدوران جمهوری اسلامی را جرات وارد شدن به محلات شهرها نباشد. همزمان با شادی خود، حجاب اسلامی را دور بیندازیم، آپارتاید جنسی جمهوری

اسلامی را عملاً لغو کنیم، زن و مرد، دختر و پسر دست در دست هم برقصیم و نشان دهیم که دور از سایه نکبت اسلام و حکومت مشتی آخوند جانی که 26 سال است خون کارگران، زنان و جوانان را در شیشه کرده اند و خوشی و شادی را از اکثریت مردم ایران گرفته اند چه روابط و مناسبات انسانی بین خود ایجاد خواهیم کرد.

ضمن تبریک مجدد سال نو، روزهای خوشی را برایتان آرزو میکنم، به امید اینکه سال آینده را به سال سرنگونی و بزرگشیدن جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. دنیا بدون اسلام سیاسی که سر آن در ایران است، مسلماً امن تر، فضای جهان رادیکال تر و فشار بشریت مستمند روی دولتهای سرمایه داری غرب که بخشا به بهانه "مبارزه با تروریسم اسلامی" فضای جهان را بشدت ترویزه و نا امن کرده اند، شدت خواهد گرفت.

25 اسفند ماه 1383 - 15 مارس 2005

آزادی، آزادی سر داده شد. نیروهای انتظامی رژیم بخصوص در منطقه نارمک و آریاشهر با جوانان به زد و خورد پرداختند اما موفق به پراکنده کردن اجتماع وسیع جوانان و مردم نشدند.

جشن و آتشبازی چهارشنبه سوری از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۱۲ شب به طول انجامید. جشنها و آتشبازیهای ۴شنبه سوری مقدمه جشنهای نوروزی و آغاز سال نو است. شب و روزهای سال نو شهر تهران و دیگر شهرهای بزرگ و کوچک ایران شاهد برپایی جشنهای پرشور و شادی آفرین خواهند بود.

کمیته کشوری

حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

۳ شنبه ۲۵ اسفند ۸۳

به حزب کمونیست کارگری حکمتیست پیوندید!



SW 49 m, 5810 Khz

www.radiopartaw.com

Tel: 0046707399868

راديو پرتو روي طول موج کوتاه!

هر شب از ساعت ۹ به وقت تهران بمدت نیم ساعت

طول موج و ساعات پخش راديو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید!

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

سال نو مبارک...

پهرو بردن از زندگی به خیابانها آمده و رژیم را به مصاف طلبیده است. جنگ عزا و شادی به خیابانها آمده است. افسانه جنگ روشنایی و تایکی و پاک و زشتی اکنون در جامعه ایران در قالب جدال مردم و جمهوری اسلامی خودنمایی میکند. نیازی به خواندن کتب افسانه ای نیست. دیو سیاهی در چنگال

روشنایی زندگی در همین سرزمین گرفتار آمده است. پایان عمر این اهرمین پایان سیاهیها و ناامنیها و آغاز دنیایی بهتر برای نه تنها ساکنان ایران بلکه کل جامعه بشری است. چهارشنبه سوری و نوروز و این روزها جنگ شادی و غم، جدال عزا و خنده و مصاف جوانان با پاسداران دشمن شادی و زندگی است. شعار ۴شنبه سوری و نوروز زنده باد شادی و زنده باد زندگی است. شیوه خودنمایی در این مصاف لباسهای زیبا، ولو کهنه، آرایش و

هر آنچه تمایل به زندگی شاد را نشان دهد، موزیک شاد و آواز و رقص و خنده است. آتش روشن میکنیم. دور هم جمع میشویم. خیابانها و میدانها و محلات را قرق میکنیم. از ورود گزرمه های مدافع شب و عزا و مخالف شادی و خنده به محلات جلوگیری میکنیم. این روزها شهر مال ما است. شهرها و میادین و محلات مال ما است. غوغای شادی است. این روزها آغاز پایان دوره سیاهیها است. ناقوس مرگ جمهوری اسلامی است. این روزهای جنگ چریکی نیست،

شب و روزهای ابراز شادمانی است. خدین و خندانند است. روزهای جشن دختران و پسران و روزهای عشق ورزشین به انسان و به زندگی است. لحظات رقص شعله ها آتش و پایکوبی جوانان در سایه روشن این شعله های زیبایست. بخندیم و بخندانیم و همدیگر را در آغوش بگیریم و بیوسیم و بچه هایمان شادی کنند. مردم، زنان و مردان! جوانان، پسران و دختران! کودکان عزیز! آینده مال ما است، زندگی و رفاه

و شادی و خنده دایمی را برلبانمان برمیگردانیم. در یکی از همین روزها و نوروزها پایان دوره سیاهیها و عزاداریها و فقر و محرومیتتهایمان را اعلام میکنیم. در یکی از همین روزها، روز نو و زندگی نو و دنیای بهتری را به جهانیان بشارت میدهیم. سال نو مبارک!

مظفر محمدی

۲۲ اسفند ۸۳ -

۱۳ مارس ۲۰۰۵

سالروز درگذشت مارکس مساله کماکان تغییر جهان است

ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

مارکس، فیلسوف، اقتصاددان و منتقد انقلابی صفوف طبقه کارگر صنعتی جهان سرمایه داری، که عنوان بزرگترین متفکر هزاره را از آن

خود کرد، در ۱۴ مارس سال ۱۸۸۳ درگذشت. او درگذشت، اما کاپیتالیسم او، مانیفست او، ایدئولوژی آلمانی و تئورهای فوئر باخ او و نقد فلسفه حقوق هگل و گروندریسه او طی همه این سالها و قرنهای پرچم مبارزه برای

رهائی از استثمار بردگی سرمایه و پرچم مبارزه علیه از خودبیگانگی انسان و مبارزه برای قرار دادن جهان وارونه بر پایهای خود بوده است. انگلس در اصول کمونیسم، دو تعریف پایه ای از کمونیسم مارکس و رسالت انقلاب کارگری بدست داده است میگوید کمونیسم دکترین و علمی است که ناظر بر شرایط رهائی پرولتاریاست. اما بلافاصله اضافه میکند که طبقه کارگر صنعتی تنها طبقه ای است که همراه با آزادی خود کل جامعه را نیز آزاد میکند و به

مارکس و نقد او و طبقه کارگر صنعتی و مدرن بیش از هر زمانی شیخ کمونیسم را بر تمامی کره زمین گسترده است. اگر مانیفست کمونیست با نقد کمونیسمها و سوسیالیسمهای موجود، به پرچم رهائی و بیانیه حقوق انسان تبدیل شد، اکنون و در اوضاعی که منصور حکمت، کمونیسم مارکس را با نقد و جدا کردن خود از انواع سوسیالیسمهای خلقی و بورژوازی و خرده بورژوازی زنده کرده است، در اوضاعی که ماهیت بورژوازی انواع ملی و اردوگاهی "سوسیالیسم" طبقات دیگر در برابر عرض اندام طبقه کارگر مدرن جهان شهرها و کشورهای صنعتی رنگ باخته است و یا "فروپاشیده" است، بار دیگر مارکس به عنوان طلایه دار جنبش رهائی بشر از ستم و استثمار طبقاتی و بردگی کارمزدی در دسترس میلیونها انسان جهان ما قرار گرفته است.

مارکس و نقد مارکس و تئوری مارکس زنده است، چرا که منصور حکمت پرچم اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر را دوباره برافراشت و تئوری انقلاب کمونیستی و رهائی از قید و بند جامعه طبقاتی را از تعرض و مصادره جنبش های طبقه بورژوا و "ملی" کردها و دستکاریهای خرده بورژوازی رها کرد. ۱۵ مارس ۲۰۰۵

زنده باد مارکس

تحلیل جهان کنونی و مناسبات حاکم بر آن باشد، نقد و ارائه راه برای تغییر آنست. مانیفست کمونیست قبل از اینکه بیان اثباتی و یا مجموعه ای از خطایه به کارگران جهان باشد، نقد و انتقاد بر سوسیالیسم و کمونیسمهای غیرکارگری موجود است. جمله معروف او که در پای تندیس اش در های گیت لندن حک شده است: فیلسوفان تاکنون جهان را به شیوه های مختلف تفسیر کرده اند، در حالی که مساله بر سر تغییر آن است، جوهر نقد مارکس و نقطه رجوع به او برای ساختن و برپائی حزب و جنبش سوسیالیستی و سازمان دادن انقلاب کمونیستی است.

مارکس در کتاب درخشان خود، کاپیتال، با دید کنجکاو و موشکاف خود کارگر صنعتی را از بازار خرید و فروش نیروی کار به درون پروسه تولید میبرد و رموز و اسرار تولید کالائی و تولید توسعه یافته کالائی، یعنی سرمایه داری و تولید ارزش و ارزش اضافه را کشف میکند. انتقاد استثمار کار و بردگی مزدی، و تدوین تئوری مبارزه برای لغو سیستم کارمزدی، مارکس را به مقام تئورسین رهائی از جامعه طبقاتی سرمایه داری و تئورسین رهائی بشریت ارتقا میدهد. و جهان ما سرمایه داری تر و جهانی تر شده است. دو عنصر لازمه رهائی از این سیستم بردگی مدرن، یعنی



تمامی اشکال ستم و تبعیض و نابرابری و تفاوتها و اختلافات طبقاتی پایان میدهد. انگلس در یکی از مقدمه هائی که بر مانیفست کمونیست نوشته است مینویسد او نمیتواند خوشحالی خود را از این واقعیت و خبر خوشحال کننده پنهان کند که هر جا کارگر صنعتی پا به میدان و ابراز وجود گذشته است، ترجمه و فروش مانیفست افزایش یافته است. و مارکسیسم قبل از اینکه تفسیر و

بر گزار شود، به هر میزان دامنه این جشنها را در محلات از نظر زمانی طولانی تر کرد، به همان میزان در عقب راندن و کوتاه کردن دست مزدوران رژیم در محلات بیشتر کمک میکند. بعداز هشت مارس با شکوه در اکثر شهرهای کردستان، زنان و دختران میتوانند نقش مهمی در مراسمها و جشنهای نوروزی داشته باشند. از پوشیدن لباس مدرن تا نفی جداسازی اسلامی، تا دورانداختن حجاب، فضای نوروزی را متمدنانه و بهتر خواهد کرد. نوروز را به همه تبریک میگویم و برای همگی شادی و موفقیت آرزو میکنم.

۱۴ مارس ۲۰۰۵

جمهوری اسلامی و شادی

و حجاب، به معنی واقعی دارند، لحظاتی از حیات خود را بدون جمهوری اسلامی سپری میکنند. با ید فضای شادی و جشن را به محلات برد، جوانها و مردم میتوانند روزی و یا چند روز محلات را برای تردد عوامل رژیم ناممکن کنند. صدای موسیقی شاد باید از گوشه و کنار شهرها طنین انداز شود. در این روزها که مردم فراغت دور هم بودن را دارند میتوانند شاد باشند، میتوانند برای آینده به تشکیل شبکه های توده ای برای مقابله با رژیم اسلامی بحث و گفتگو کنند. به هر میزان جشنهای بزرگ و مدرن

برنامه های پرتو چهارشنبه ساعت 7.30 تا 8.30 شب به وقت تهران (5 تا 6 بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و 8 تا 9 صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت 7.30 تا 8.30 صبح تهران مجددا پخش میشود. برنامه پرتو، روی سایت آن نیز قابل مشاهده است: <http://www.hekmatist.com/parto>

پرتو
برنامه های پرتو
تولیزویون پرتو
مدیر مسئول: آذر مدرسی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنگ کرسیها...

رقابت و نزاع اینها، قابل پیشبینی بود، محصول انتخابات نبوده، بلکه از دریچه انتخابات است که باردیگر تقسیم قدرت بین این دارودسته مطرح میشود آنچه واضح است، در کل این ساخت و پاخت ها، دو جریان اسلامی و ناسیونالیسم کرد، فعلا میدان را اشغال کرده اند به نظر می‌رسد جریانات اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی تنها به تحویل گرفتن جنوب عراق رضا نداده اند، بلکه باید بحث شکل دادن به نوعی دولت اسلامی قومی از طرف جمهوری اسلامی ایران و احزاب مرتبط به آن در جریان باشد. سوال این است که آیا دولتی با این مشخصات در کشور تحت اشغال عراق، چگونه پدید آمده و چه خطرات جدی برای مردم عراق و منطقونهای جهان در پی خواهد داشت؟

ما بارها گفته ایم که روندهای جاری در عراق تلاقی کشمکش های

جهانیت‌ر و بر پایه معادلات پیچیده تر از خود عراق بعنوان یک معضل داخلی است. اشغال نظامی عراق بر پیچیده تر شدن و "لاینحل تر" شدن این معادلات افزوده است. تصور اینکه با جلسه سران قوم و شیوخ و روسای باندهای مسلح زیر تیتیر پارلمان بتوان گرهی از این معضلات را گشود، تنها بدر سوژه های تبلیغی اعوان و انصار بوش و جریانات راست هواخواه عراقیزه کردن در ایران می‌خورد.

آمریکا در باتلاق عراق گیر کرده است. اسلام سیاسی ماندگاری و سیطره آمریکا را با دشواری جدی مواجه کرده است. اگر "باتلاق عراق" نقطه ضعف آمریکا است، در عوض برای اسلام سیاسی این باتلاق "برکت" آور است. قدرتی بیشتر اسلام سیاسی در عراق و خاورمیانه قبل از هر چیز دست پایین آمریکا در رقابت قطبهای تروریستی را می‌رساند. آمریکا قادر نشد اسلام سیاسی رام شده و مهار شده در عراق را تولید کند، بر عکس اسلام سیاسی میدان مانور فراغت‌تری بدست

آورده است.

با اندختن حکومت فاشیستی بعث، خلا جریان سراسری و پراکنده شدن نیروی جنبش ناسیونالیستی عرب، کار آمریکا را دشوارتر کرده است. این نیرو در این خلا زیر پرچم اسلام سیاسی جا خوش کرده است. فقدان چنین نیروی زیر دست و بال آمریکا، که بتواند قدرت را یکسره کند، میدان را برای جریانات اسلامی و قومی باز کرده است. بازیگران سناریوی سیاه در عراق عناصر انسجام بخشیدن به مسله داخلی عراق نیستند. در چنین شرایطی نمیتوان حرف از دولت با ثباتی در عراق زد، ماتریال کنونی چه اسم پارلمان و دولت را بر آنها مونتاز کرد چه نه، بطور ابژکتیو به معنای تداوم وضع کنونی عراق خواهد بود. اسلام سیاسی و در راس آن جمهوری اسلامیاران، برای امتیاز گیریهای بیشتر در عرصه های دیگر تلاش میکنند در عراق وزنه تعیین کننده ای باشد. جریانات قومی کرد با سیاست روز آمریکا می‌چرخند و با هر کسی بر سر حفظ

موقعیت کنونی شان می‌سازند، کسی که در این میان به کم قانع نیست، اسلامیهها هستند. حاصل این گاویندی به نظر میرسد به نفع اسلام سیاسی تمام شود. دولتی با قوانین اسلامی و قومی در شکل احتمال دارد نقطه سازش آمریکا و سایرین هم باشد. این البته نه تنها بحران عراق را فروکش نخواهد داد، بلکه آنرا دمنه داتر خواهد کرد و در عمل جامعه ای به مراتب ویرانتر و بی ثبات، محکوم چنین حکومتی خواهد شد.

در چنین فضای جنگ قدرت و صف ارایه می‌لشای احزاب به یک معنی سراسرتر خواهد شد. گویا "کردها" مسله کرکوک و فدرالیسم و سرنوشت نیروی نظامی خود را می‌خواهند و ظاهرا اسلامیهها زیر بار نمیروند. این تصویر ژورنالیستی حقیقت کشی است که خود همراه با این جنگ زاده شده است. سران احزاب ناسیونالیست کرد خوب میدانند که قرار نیست مسله کرد را کسی حل کند و میدانند که حمله بعدی کوتاه کردن دست آنها خواهد

بود. موقعیت ناپایدار این جریانات با بستن یکماهه مجرای معیشت به جامعه مصرفی کردستان چنان به هم خواهد خورد که توسط خود مردم از شهر بیرونشان بکنند، این واقعیتها را خوب میدانند. اتفاقا نا امنی اینها بیشتر از خود آمریکا است و گرنه اینها در ساخت و پاخت با جمهوری اسلامی و کرنش به دول منطقه ید بالایی دارند.

از زوایه منافع مردم راه نجات، دخالت مردم در سرنوشت خود است. شکل دادن به جنبشی که مدنیت و آرامش را به جامعه باز گرداند، دولتی سکولار و غیر قومی ایجاد کند و رفاندوم برای جدایی و استقلال کردستان عراق را سازمان دهد. حل متمدانه و انسانی این بحران سیاه در گرو این حرکت اجتماعی است. حزب کمونیست کارگری عراق شمع است در این تاریکخانه که دارد در این جهت تلاش میکند. لگام زدن به این سناریو در به میدان آوردن جنبش های رادیکال و انسانی در عراق است. ۱۵ مارس ۲۰۰۵

در یاد قربانیان فاجعه حلبجه

را با فجایعی بر مراتب هولناکتر از حلبجه و هیروشیما روبرو سازند.

ما یک بار دیگر یاد قربانیان فاجعه حلبجه را گرامی میداریم. همراه با گرامی داشت هرساله یاد قربانیان این فاجعه هولناک، بشریت متمدن باید رویداد هیروشیما و فاجعه حلبجه را هر ساله به روز اعتراض جهانی علیه استفاده از سلاحهای کشتار جمعی توسط دولتهای سرمایه داری و تلاش برای خلع سلاح عمومی هسته ای در جهان تبدیل کند.

حسین مرادیگی (حمه)

سور
15 مارس 2005

مصلحتهای سیاسی و اقتصادی که در آن دوره با حکومت بعث داشتند، اوایل میخواستند این فاجعه را زیر سیبلی رد کنند، اما ابعاد عظیم فاجعه و فشار افکار عمومی جهان مانع از این کار آنها شد. این فاجعه هولناک که میتواند بدرست با فجایعی نظیر بمباران شیمیایی "هیروشیما" مقایسه شود در آن دوره میتوانست به روز اعتراض جهانی علیه حکومت جنایتکار صدام و دولت بعث تبدیل شود، متأسفانه مصلحت های محلی احزاب ناسیونالیست کرد و روابط پنهانی

روز 16 مارس 1988 شهر حلبجه هدف بمباران شیمیایی هواپیماهای حکومت سابق عراق قرار گرفت که در آن بیشتر از 5000 نفر زن و مرد، کودک و پیر و جوان جان خود را از دست دادند. صحنه های دلخراش این فاجعه هنوز هم در خاطر میلیونها انسانی که آن را روی صفحه تلویزیونها و میدیای کشورهای مختلف دیدند، زنده است. دولتهای غربی بدلیل



کمونیست را
بخوانید و
آنها تکثیر
کنید!

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

دبیر: حسین مرادیگی

h_moradbeigi@yahoo.com

Tel: 00447960233959

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

تلفن: 0046736975226

Sharifi_abdollah@yahoo.com

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

اکتبر چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!